

آیین زرتشت: شریعت محور یا شریعت گریز؟

Hajati65@chmail.ir

کسید محمد حاجتی شورکی / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
 حسین نقوی / استادیار گروه ادیان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
 دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۱ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹

چکیده

جعل احکام و قوانین در ادیان، مقدمه رسیدن به تکامل و سعادت ابدی است. لازمه وصول به این مقصد، این است که خدای جهان آفرین و آگاه به مصالح انسانی، احکام الهی را از طریق پیامبران به بشر رسانده باشد. در **گاهان (=گات‌ها)** منسوب به زرتشت پیامبر و تنها متن آسمانی نزد زرتشتیان، سخنی از شریعت نیامده است؛ بلکه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی، در **وندیداد/اوستا** و سایر متون دینی زرتشتیان آمده است. شریعت زرتشتی در دوره‌های مختلف دچار تغییر و تبدیل شده است و به تصریح موبدان زرتشتی، این امر - یعنی تغییر و حذف برخی احکام حقوقی و شرعی - همچنان ادامه دارد. منشأ این همه دگرگونی در احکام و قوانین تا به امروز، بدین سبب بوده است که این امور ساخته و پرداخته بشر بوده‌اند، نه وحی و کلام الهی. مقاله حاضر نخست به توصیف شریعت و مباحث مرتبط با آن در آیین زرتشت پرداخته و ادامه مباحث به تحلیل و بررسی مباحث مطرح شده اختصاص یافته است.

کلیدواژه‌ها: آیین زرتشت، شریعت، شریعت‌گریزی، وحی الهی، وندیداد.

معنای لغوی «شریعت»، جای آب خوردن و جای برداشتن آب از رود است (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۰۴۲) و معنای اصطلاحی آن همان راه مناسب برای رسیدن به آب حیات انسانی است که در بستر آفرینش جریان دارد و در هر عصری با راه مخصوصی که توسط پیامبران ارائه می‌شود، امکان نیل به آن سرچشمه حیات میسر است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲).

تعالیم ادیان الهی در یک تقسیم‌بندی، شامل دو بخش است: پاره‌ای به واقعیات نظر دارد و از هست‌ها و نیست‌ها سخن می‌گوید؛ یا در قالب نقل وقایع تاریخی یا در مقام تأسیس یک دستگاه اعتقادی؛ پاره‌ای دیگر به بایدها و نبایدها نظر دارد و درباره چه باید کرد و چه نباید کرد است. شریعت، همان بایدها و نبایدهایی است که خداوند درباره اعمال و رفتار فردی و اجتماعی انسان مقرر فرموده است. زندگی انسان در جهان مادی، برای به ثمر رسانیدن شخصیت خویش در حرکت به سوی ابدیت است. این حرکت بسیار مهم، بدون قوانین و تکالیفی که شامل ارتباطات شخصیت بشری با سایر امور باشند، امکان‌پذیر نیست (جعفری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷). از این رو خداوند اصول و مبانی کلی بهینه‌سازی جامعه را به پیامبران داده است که فروع و جزئیات مسائل مورد نیاز از آنها استنباط شود. پس دین الهی مشتمل بر تکالیف و حقوق ثابتی خواهد بود که برای تنظیم شؤون فردی و اجتماعی انسان ارائه داده است. به عبارت دیگر، دینی کامل است که برای تمام ابعاد زندگی بشر برنامه داشته باشد و نسبت به هیچ مسئله‌ای بی‌نظر نباشد (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۷). نکته حائز اهمیت اینکه برخی از فروع و احکام عملی، در همه شرایع و مذاهب ثابت‌اند و قابل تغییر و نسخ نیستند؛ مانند وجوب عبادت، حرمت ظلم و ربا، لزوم انفاق در راه خدا، و... (همان، ص ۱۱۰۴). نوشتار پیش‌رو در پاسخ به سؤالات اساسی درباره جایگاه شریعت در آیین زرتشت تدوین شده است؛ سؤالاتی نظیر اینکه:

آیا در **گاهان** منسوب به زرتشت، سخنی از شریعت به میان آمده است؟ زرتشتیان مباحث شرعی و حقوقی خود را از چه منابعی استنباط می‌کنند؟ زرتشتیان تاجه اندازه به شریعت خود پایبندند و از آن روی‌گردان نشده‌اند؟ به دیگرعبارت، سؤال اساسی اینکه آیین زرتشت شریعت‌محور است یا شریعت‌گریز؟

نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است و تأکید آن در ارائه مباحث، بر متون دینی زرتشتیان و مدارک موجود در این زمینه، به‌ویژه مستندات محققان و موبدان زرتشتی است. گرچه در لابه‌لای آثار تدوین‌شده مطالبی درباره شریعت زرتشتیان یافت می‌شود، ولی می‌توان ادعا کرد که مباحث در شکل و قالب نوشتار حاضر، به‌ویژه تحلیل و بررسی‌ای که در پایان مقاله صورت گرفته، کاری نو بوده است و پیشینه‌ای برای آن دیده نشد. پیش از ورود به مباحث اصلی، لازم به یادآوری است که مقاله بر این فرض بنا نهاده شده که آیین زرتشت از ادیان الهی، و **گاهان** (**گات‌ها**) سخنان زرتشت پیامبر است.

۱. شریعت در اوستا

اگر به *گاهان* زرتشت نظری بیفکنیم، متوجه خواهیم شد که در آن سخنی از فقه یا شریعت و قانون نیست. مطلبی که پژوهشگران و موبدان زرتشتی نیز به آن تصریح کرده‌اند. *مزدپور*، پژوهشگر زرتشتی، می‌نویسد: «*گاهان*، در حقیقت فقه نیست و قانون هم نیست» (مزدپور، ۱۳۹۴، ص ۱۷ و ۶۷). در جای دیگر می‌گوید: «پیام آسمانی *گاهان*، شریعت را در بر ندارد» (مزدپور، ۱۳۹۱، ص ۳۸۰).

موبد *سروش پور*، سردبیر مجله فروهر می‌نویسد: «مهم‌ترین مشخصه *گات‌ها* از نگاه نگارنده در این است که در هیچ کجای *گات‌ها* اثری از احکام یا قوانین مذهبی (فقه) و آیین‌ها و ساختار دینی (شریعت) نمی‌بینیم» (سروش پور، ۱۳۹۰): اما *اوستای* متأخر، به‌ویژه *وندیداد* و متون دینی پهلوی و نوشته‌های متأخرتر، سرشار است از باورهایی که به زمینه‌های گوناگون از زندگانی اجتماعی و روابط مردم در جامعه بازمی‌گردد. *وندیداد/اوستا* که مشتمل بر ۲۲ فرگرد است، به‌جز فرگرد نخست و فرگرد دوم آن، قوانین و مقررات دین زرتشتی درباره طهارت، گناهان و جرایم و تاوان آنها را دربردارد که به‌صورت سؤال و جواب تدوین شده است.

در *وندیداد* برای نخستین بار در *اوستا* احکامی درباره نهادن اجساد مردگان در فضای باز، مجازات مشخص برای آسیب رساندن به سگ، ثواب برای کشتن خرفستر و نظایر اینها آمده است. *وندیداد* مهم‌ترین مأخذ *اوستایی* است که پاره‌ای مقررات مشخص طهارت در آن آمده است (یویس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۰۴). برای زنان در ایام خاص آنان، احکام سخت و دشواری آمده است. البته سایر احکام مرتبط با حقوق زن، سهم ارث او و فرزندان و نظایر آن چیزی نیامده است (مهرا، ۱۳۷۴، ص ۱۶۰).

۲. متون فقهی - حقوقی

منظور از متون فقهی - حقوقی، آن دسته از آثار پهلوی است که بیشتر آنها در قرن نهم و دهم میلادی تنظیم و تدوین شده است. نگارش این متون با هدف حل موضوعات و از بین بردن شک‌های احتمالی در باب مسائل زرتشتیان است. ناگفته نماند ادبیات دینی در آثار پهلوی، به‌مراتب غنی‌تر از ادبیات *اوستایی* است (موله، ۱۳۷۲، ص ۳۲). برخی از مهم‌ترین متونی که مسائل فقهی - قانونی زرتشتیان در آنها آمده است، عبارت‌اند از:

۱. *نشایست نشایست*: نام نویسنده یا نویسندگان کتاب معلوم نیست. همچنین تاریخ نگارش *نشایست نشایست* یا به عبارت دقیق‌تر، نگارش فصل‌های مختلف آن معلوم نیست (مزدپور، ۱۳۶۹، ص ۸ و ۱۱). کتاب دارای فصول متعدد است و در آن، مطالب گوناگون و متنوعی به‌ویژه درباره آیین‌ها، اعمال و مناسک دینی آمده است.

۲. *روایات آذرفرنبغ فرخزادان*: این روایات، مجموعه پاسخ‌های موبدان موبد فارس، یعنی آذر فرنبغ پسر فرخزاد به ۱۴۸ پرسش فقهی در زمینه‌های مختلف است. وی از بزرگ‌ترین مراجع زرتشتی و رهبر زرتشتیان در قرن سوم هجری و مطالب وی مورد استناد بسیاری از دانشمندان و فقهای زرتشتی بوده است (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۴، ص ۵).

۳. **مادیان (= ماتیکان، مادیگان) هزاردادستان:** مادیان هزاردادستان به معنای مجموعه هزارفتواست. گردآورنده آن، فرخ مرد پسر بهرام است. مؤلف تلاش کرده است تا مسائل حقوقی را، چه آنهایی که اتفاق افتاده و چه آنهایی که بالقوه می توانسته اتفاق بیفتند، جمع آوری کند. قضایای مطرح شده در کتاب، بیشتر مربوط به قوانین مدنی است؛ از قبیل ازدواج، طلاق، ارث، مالکیت، قیمومیت و... (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۶).

۴. **روایات امید آسوهیستان:** این اثر مجموعه ای از ۴۴ پاسخی است که امید آسوهیستان، از علمای بزرگ زرتشتی به پرسش های آذرگشسب پسر مهرآتش داده است. این اثر همان اندازه که مطالبی درباره اعمال مذهبی دربردارد، شامل قوانین شخصی زرتشتیان نیز است (موله، ۱۳۷۲، ص ۳۴).

۵. **پرسشنامهها:** این کتاب مجموعه ای مشتمل بر ۵۹ پرسش و پاسخ است که سرگذشت زندگی انسان پس از مرگ از مضامین نادر و غیرفقهی در آن است (پاکتچی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵).

۶. **وجرکرد دینی:** یا به تعبیر فارسی، مجموعه فتاوی دینی، که تألیف آن به میدیوماه پسرعموی زرتشت منسوب است. گرچه بخش قابل توجهی از کتاب به زندگی نامه زرتشت اختصاص یافته، اما مباحث فقهی - حقوقی نیز در آن فراوان است (همان).

۷ و ۸: دو متن پهلوی (روایت فرنیغ سروش) و (پرسش های هیرید اسفندیار فرخ برزین) نیز از جمله متون فقهی - حقوقی است که مشتمل بر پرسش و پاسخ هایی مرتبط با مناسک دینی و آیین های زرتشتی است (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۵).

۳. احکام و مجازات در اوستا

هر دین و مذهبی که الهی و آسمانی شمرده می شود، علاوه بر اصول کلی اعتقادی، مشتمل بر بایدها و نبایدهایی است که وظیفه پیروان آن دین را در امور فردی و اجتماعی روشن می کند. به جز اوامر و نواهی، کارهای زشت و ناپسند، به ویژه رفتارهایی که در آنها به حقوق دیگران تعرض می شود، به شدت نهی شده اند و گناه شمرده می شوند و مجرم و گناهکار باید به تناسب عملی که انجام داده است به کیفر و مجازات برسد.

دین زرتشت نیز از این قاعده مستثنا نیست و عمده احکام و مجازات اوستا، در بخش **وندیداد** ذکر شده است؛ گرچه در برخی بندهای یشت های اوستا نیز به قانون مجازات اشاره شده است (مانند مهریشت: ۱۲۲؛ ارت یشت: ۵۷-۵۹). در آثار پهلوی، چنان که گذشت، متون فقهی - حقوقی وجود دارد که به مباحث شرعی و قانونی زرتشتیان پرداخته است. آنچه در ذیل می آید، بخش اندکی از احکام و جرایم موجود در متن **اوستایی وندیداد** است:

۳-۱. تقدیس سگ

در **وندیداد**، سگ از مقام بسیار بالایی برخوردار است و احکام زیادی را به خود اختصاص داده و جرایم زیادی برای هرگونه آزار و اذیت سگ، حتی اهانت به استخوان سگ، بیان شده است (وندیداد، فرگرد ۱۳ و ۴). از جمله جرایم

کشتن سگ آبی است: هر کسی سگ آبی را بکشد، او برای جبران عمل خود باید ده هزار بسته هیزم سخت خشک‌شده آزمایش‌شده، برای آتش اهورامزدا به آتشکده به‌عنوان کفاره ببرد؛ ده هزار مار، ده هزار لاک‌پشت، ده هزار مور دانه‌کش، ده هزار مگس و... را بکشد (وندیداد، فرگرد: ۱۴: ۱-۶)؛ یا مجازات کسی که پیکر مرده‌سگی را بر زمین بیندازد، دو هزار ضربه شلاق است (وندیداد، فرگرد: ۲۴-۲۵).

۲-۳. احکام مربوط به زنان

در متون دینی زرتشتی، احکام بسیار سخت در برخی حالات خاص زنان، همچون ایام عادت ماهیانه و زایمان وجود دارد. احکام ویژه زنان در **وندیداد** و متون پهلوی فراوان بیان شده است که به ذکر یک نمونه بسنده می‌شود: در اصطلاح **وندیداد**، کلمه «دشتان» به معنای قاعدگی، عادت ماهانه زنان کاربرد دارد و احکام بسیار پیچیده و سختی به دنبال دارد؛ مانند اینکه چنین زنی باید دور از دیگران و در «دشتانستان» که جایی متروک و دور از آتش و آب و مردمان است، ساکن شود؛ در ظرف‌های فلزی کم‌بها به او غذا می‌دهند؛ لکن باید غذای کم بخورد تا نیرو نگیرد؛ بعد او را با گمیز (ادرار گاو) در دو گودال شست و شو می‌کنند؛ سپس در گودال سوم با آب شست و شو می‌شود و در تابستان باید دویست مورچه بکشد و اگر زمستان بود، باید دویست خرفستر (موجودات موذی) را از بین ببرد (وندیداد، فرگرد: ۱۶). همچنین مجازات بسیار سختی برای زنی که بچه مرده به دنیا می‌آورد، در نظر گرفته شده است (وندیداد، فرگرد: ۵۵: ۴۵).

۳-۳. مجازات دفن مرده

از دیدگاه **وستا**، زمین پاک است و نباید مرده را در آن دفن کرد؛ زیرا مرگ سلاح اهریمن است؛ بلکه او را باید در دخمه‌ای گذاشت تا خوراک حیوانات مردارخوار شود (وندیداد، فرگرد: ۴۴-۴۵). کشیدن پارچه بر روی مرده مجازات سنگینی دارد و مجازات او دو هزار تازیانه خواهد بود (وندیداد، فرگرد: ۸: ۲۵) و مجازات هر کس مرده‌ای یا لاشه سگی را در زمین دفن کند و یک سال در زمین بماند و از خاک درنیآورد نیز دو هزار تازیانه است و اگر دو سال بماند، دیگر بی‌توبه خواهد بود و با جریمه و کفاره تطهیر نمی‌شود (وندیداد، فرگرد: ۳۷-۳۹). همچنین برای کسانی که بیش از حد شرعی به مرده نزدیک شده باشند، مجازات سختی است؛ از جمله سی بار با گمیز (ادرار گاو) خود را شستن، سه هزار قدم راه رفتن و... ذکر شده است (وندیداد، فرگرد: ۸۵: ۹۷).

۴-۳. مرگ ارزان

نام گناهی است که ارتکاب آنها حد شرعی مرگ (اعدام) را در پی دارد. جرایم بسیاری در آیین زرتشت است که شخص به سبب ارتکاب آنها مستحق مرگ ارزان (اعدام) می‌شود. برای نمونه، در یکی از فرگردهای **وندیداد** آمده است: پنج گناه بزرگ که ارتکابشان موجب حد شرعی مرگ است: ۱. تبلیغ دینی دیگر جز آیین زرتشتی؛

۳ و ۴. خوراک نامناسب به سگ دادن و با سگ رفتار بد کردن؛ ۴ و ۵. نزدیکی با زن دشتان و زن آبستن (وندیداد، فرگرد ۱۵: ۱)

برای اجرای این حکم، سر محکوم را افراد تعلیم‌دیده و کارآمد به‌شیوه‌ای خاص قطع می‌کردند یا بدن آنان را در تخته‌بندهای مخصوصی چنان تحت فشار قرار می‌دادند که همه استخوان‌ها خرد شود. در فرگرد سوم و دیگر فرگردهای *وندیداد*، شروخی درباره این مورد است (ر.ک: رضی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۹۰). همچنین در *وندیداد*، *روایت پهلوی*، *روایات داراب هرمزدار*، *صد در بندهش*، و *چکرکرد دینی*، زنده زنده پوست کندن مجرم، مثله کردن (تکه‌تکه کردن اندام‌ها) و خرد کردن استخوان‌ها، سر بریدن، وارونه دفن کردن و غیره، از انواع رایج اجرای حکم اعدام بوده است. مثلاً در یکی از روش‌ها که در فرگرد چهارم *وندیداد* بدان اشاره شده است، با کاردهای فلزی، استخوان‌ها و بندبند اعضای بدن را از مفاصل در حالی جدا می‌کردند که شخص کاملاً زنده بود و خود شاهد این قساوت و اجرای احکام وحشتناک بوده است (حسینی، ۱۳۸۴). کریستن سن به ذکر نمونه‌هایی از این مجازات وحشتناک و عجیب می‌پردازد و می‌گوید: «ایرانیان هوش و مهارتی غریب در اختراع انواع شکنجه‌های عجیب داشتند» (کریستن سن، ۱۳۷۴، ص ۹۸).

اولین جرمی که در فرگرد ۱۵ *وندیداد* سبب استحقاق مرگ ارزان دانسته شده، تبلیغ ادیان دیگر به‌جز آیین زرتشت است. رضی، مترجم و شارح *وندیداد* در توضیح این بند آورده است که در زمان ساسانیان با توجه به اینکه موبدان یک نظام حکومتی بسیار سخت و خشن با مراسم شاعری بسیار پیچیده و تفتیش عقاید همراه با مجازات وحشتناک اقامه کرده بودند، ترک دین زرتشتی بسیار رواج داشت و حتی برخی موبدان نیز به آیین مسیحیت گرویده بودند. از این رو کسانی که دین رسمی را ترک می‌کردند، مرگ ارزانی یا مهدورالدم شدن درباره آنها به اجرا درمی‌آمد و با وضع فجیعی کشته می‌شدند. هم‌چنین کسانی که دین‌های دیگر را تبلیغ می‌کردند، حکم اعدام برای آنان اجرا می‌شد؛ مانند بسیاری از کشیش‌های مسیحی و دیگر مسیحیان که به‌سبب تبلیغ دین مسیحیت کشته شدند (رضی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۲۳).

در زمره گناهان مرگ ارزان، ارتداد از دین زرتشتی و برگزیدن آیین دیگر است. در *وندیداد*، شریعت و آیین زرتشتی بزرگ‌ترین و بهترین شرایع و آیین‌ها معرفی شده است (وندیداد، فرگرد ۴: ۲۲-۲۵)؛ از این رو هر کس دین و شریعت زرتشت را ترک کند، محکوم به اعدام می‌شود. بدین جهت، بسیاری از ایرانیان که به‌سبب خشونت، تعصب و ظلم موبدان در زمان ساسانیان از آیین زرتشتی بازمی‌گشتند و مسیحی، مزدکی و... می‌شدند، به فتوای موبدان محکوم به اعدام می‌گشتند؛ چراکه بهترین و مهم‌ترین و سرآمدترین آیین را - که شریعت زرتشتی بود - رها کرده‌اند. شکل اعدام نیز مثله شدن، قطعه‌قطعه شدن، سر بریدن یا درهم کوبیده شدن همه استخوان‌ها بود که در *وندیداد* شرح آن هست. این اعدام‌ها و شکنجه‌ها از سوی حکومت موبدان، ترس و وحشت عظیمی را برای مردم به ارمغان آورد (رضی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۳۵).

در رسالهٔ فقهی *روایت امید اشوهیستان* دو مرتبه به مجازات مرگ ارزان برای کسی که از دین زرتشت به دین اسلام گرویده، تصریح شده است:

هرگاه مردی از دین زرتشتی به اسلام گرایید و مسلمان باقی ماند، در دم به‌عنوان گناهکار تاپوهل محسوب خواهد شد. اگر در عرض یک سال همچنان به اسلام پایبند بماند، در آن صورت گناهش مرگ ارزان خواهد شد... کسی که دینش را تغییر داده و از زرتشتی به اسلام گراییده، در دم مرتکب گناه تاپوهل شده است. اگر در دوران یک سال به دین اصلی‌اش زرتشتی برنگردد، به مجرد خاتمهٔ سال، سزایش مرگ خواهد بود (روایت امید اشوهیستان، ص ۱۷ و ۱۶۹؛ نیز روایت پهلوی، ص ۴).

چوکسی، از محققان زرتشتی و پارسی هند، دربارهٔ احکام قانونی کسانی که دین زرتشت را ترک می‌کردند، چنین می‌نویسد:

رساله‌ای که در اواسط سدهٔ دهم میلادی / اواسط سده‌ی چهارم هجری قلم موبد موبدان امید اشوهیستان نوشته شده است، اطلاعات بیشتری دربارهٔ تلاش‌های زرتشتیان برای ممانعت از ارتداد به دست می‌دهد. اقدامات آنها ممکن است نومسلمانان را در فارس، کرمان، جبال و امتداد رود دیاله از جوامع روستایی بیرون رانده باشد. هر فرد زرتشتی که اسلام (یا دین دیگری) را می‌پذیرفت، گناهکاری تلقی می‌شد که از ورود روح او به بهشت جلوگیری به عمل می‌آمد. از آن مهم‌تر اینکه او از نظر جامعه، شرعاً مرده و فاقد حقوق به‌حساب می‌آمد. همهٔ دارایی چنین شخصی، به اعضای از خانوادهٔ او می‌رسید که وفادار به دین زرتشتی باقی می‌ماندند. راه دیگر آن بود که اموال گران‌بهای مرتد را توقیف می‌کردند: «اگر او مالی داشته باشد، قانون اهالی پیشین شامل حال آن مال است... هر کس از میان پیروان دین بهی که ابتدا آن را تصاحب کند، نسبت به آن صاحب حق است». از لحاظ نظری، گرویده به اسلام، نمی‌توانست مالی از خویشاوند زرتشتی خود به ارث ببرد (چوکسی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱).

نکتهٔ قابل توجه آنکه بنا بر برخی متون پهلوی، زرتشتیان قائل به نجاست غیرزرتشتیان بوده‌اند. در کتاب *صد در نثر* آمده است که باید کوشش و جهد کرد تا با جُددینان (= جدا از دین، کافران، غیرزرتشتیان) هم‌کاسه نشوند. اگر یک غیرزرتشتی از کوزه‌ای آب بخورد، نمی‌توان از آن ظرف آب خورد، مگر اینکه تطهیر شود. این در صورتی است که کوزه فلزی باشد؛ اما اگر کوزه از جنس سفال یا چوب بود، همیشه ناپاک بوده و دیگر قابل استفاده نخواهد بود (صد در نثر و صد در بندهش، در ۳۸، ص ۲۹). در سایر روایات و نوشته‌های پهلوی، همچون روایات داراب هرمزد و مانند آن نیز بر نجس بودن جُددینان و ایجاد نجاست مستقیم و غیرمستقیم از آنان تأکید شده است (رک: رضی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۳۱۲).

۳-۵. مجازات تازیانه

در *وندیداد*، فهرست بلندی از جرایم وجود دارد که حکم آنها تازیانه زدن مجرم است و از پنج تازیانه شروع می‌شد تا تازیانه‌های بیشتر برای مجازات شدیدتر؛ چنان که ارتکاب برخی جرایم ده هزار ضربهٔ تازیانه دربردارد؛ مانند اینکه یکی از مجازات‌های کشتن سگ آبی ده هزار ضربه تازیانه بوده است (وندیداد، فرگرد ۱۴: ۲). گرچه تعداد بعضی از

این تازیانه‌ها اغراق آمیز است و قابل اجرا و عمل نیست، اما باید توجه داشت که مجازات تازیانه در *وندیداد* همه‌جا قابل تبدیل به جریمه نقدی و قابل خرید است (دارمستتر، ۱۳۸۲، ص ۳۰۰) و این امر، یعنی قابلیت تبدیل تازیانه به جریمه، محل درآمد هنگفتی برای موبدان زرتشتی بوده است.

حاصل آنکه احکام و جرایمی که آورده شد، موارد اندکی از احکام و جرایم بسیار پیچیده و سخت در *وندیداد اوستاست*. آگاهی از سایر احکام و مقررات بسیار دشوار و شگفت‌انگیز که در *وندیداد* و سایر کتب و رسایل مختلف زرتشتی از زمان ساسانیان و پس از آن باقی است، همچون *روایات پهلوی، شایست نشایست، نیرنگستان، روایات داراب هرمزد، سد در نثر و سدر بندهش*، و... مجال دیگری می‌طلبد.

سؤال اساسی باقی می‌ماند مبنی بر اینکه: آیا قوانین حقوقی و جرایم *وندیداد*ی در زمان خود واقعاً اجرا می‌شده‌اند یا صرفاً جنبه نظری داشته‌اند؟ دارمستتر، دانشمند اوستاشناس در پاسخ به این پرسش می‌گوید:

از مطالعه در مدارک و مستندات ایرانی و غیرایرانی معلوم می‌گردد قسمت عمده از این قوانین وندیداد، در زمان خود به‌موقع اجرا گذارده می‌شد. استرابون نقل کرده است که هر کس آتش یا آب را آلوده و ناپاک می‌کرد، به مجازات اعدام محکوم می‌شد. این همان مقررات فصل هشتم وندیداد است که هر کس جسد مرده را در آتش می‌سوزانید، اعدام می‌گردید؛ اما تعیین اینکه از مقررات و قوانین وندیداد، کدام یک واقعاً به‌موقع اجرا درآمده و یا کدامین جنبه نظری داشته، مشکل می‌باشد و حتی در زمان سلطنت پادشاهان ساسانی که آیین زرتشت دین رسمی مردم و دولت بود، نمی‌توان معتقد شد که همه این قوانین و مقررات به‌وسیله قاضی و دادرس به‌موقع اجرا گذارده می‌شد. قوانین نظری در بعضی موارد وسیله سخت‌گیری قضات و سیاستمداران قرار می‌گرفت (دارمستتر، ۱۳۸۲، ص ۳۰۳).

برخی نویسندگان به تشریح انگیزه موبدان در اجرای قوانین *وندیداد*ی می‌پردازند و می‌نویسند: قوانین نظری نه‌تنها در بعضی موارد وسیله سخت‌گیری قضات بود، بلکه اکثراً اجرای احکام و قوانین *وندیداد*ی توسط مغان و موبدان در میان مردم وسیله‌ای برای سودجویی، ایجاد رعب و وحشت، سخت‌گیری و فشار، و بالاخره تثبیت قدرت و تسلط ایشان بر عموم مردم بوده است (حسینی، ۱۳۸۴). سپس نویسندگان شواهدی بر تأیید ادعای خود می‌آورد و در ادامه می‌نویسد:

با توجه به تمامی این شواهد و احکام و قوانین مندرج در کتاب‌هایی چون *روایات پهلوی، روایات داراب هرمزدیار*، مجموعه دینکرد، *شایست ناشایست* و دیگر منابع پهلوی، که در رأس آنها وندیداد قرار دارد، می‌توان به این مهم رسید که جنبه نظری بودن این قوانین بسیار ضعیف می‌نماید؛ اما جنبه‌های عملی آنها نیز بیشتر به‌صورت راه‌های ثانویه انجام می‌شد، نه تنبیه‌های جسمانی و فیزیکی؛ یعنی در احکام جزایی، هرچند بسیاری از کيفرها و مجازات بدنی، ظاهراً به‌دلیل تعداد زیاد تازیانه‌ها به نظر اغراق آمیز و دور از عمل می‌رسد، اما همواره تأکید موبدان در آن زمان (با توضیحاتی که گذشت)، بیشتر بر تبدیل این کيفرها و تازیانه‌ها به جرایم نقدی بود، نه اجرای حدود شرعی. به همین جهت آنها در تقدس و اجرای شرایع، فراوان بر قوانین پیچیده و بسیار سخت وندیدادی اصرار و پافشاری می‌کردند و از کوچک‌ترین گناه، بدون پرداخت جریمه و توان آن، گذشت نمی‌کردند تا مبادا موجبات تضعیف و از دست دادن قدرت ایشان فراهم شود. تأکید بر

اجرای این مهم تا جایی بود که هرگاه کسی یا گناهکاری در باز خرید تاوان گناه یا برای انجام مراسم تطهیر و آیین‌های دینی، به دلیل ضعف مالی نمی‌توانست وجوه معین و تعریف شده در قوانین موبدان را پرداخت نماید، بر اعقاب و بازماندگانش این وظیفه فرضی واجب بود که تا نسل‌های متوالی و پیاپی دیون وی را پرداخت نمایند (همان).

۴. شریعت‌گریزی

از نکات مهم و قابل تأمل در آیین زرتشت، اجرا نشدن بسیاری از احکام و مجازات ذکر شده در کتب فقهی - حقوقی، به ویژه وندیداد، در عصر حاضر است. مزداپور، دانشمند برجسته زرتشتی، در آثار خود به این نکته مهم اشاره می‌کند که احکام و قوانین وندیدادی کهنه شده‌اند و کارایی ندارند. به دلیل اهمیت بحث، عین کلام ایشان ذکر می‌شود:

وندیداد که احکام فقهی و شریعات دوران خود را دربردارد، امروزه بسیار کهنه و عتیق به نظر می‌رسد. قوانینی که در آن آمده است، گرچه شاید هم در روزگار خود مفید بوده و لایه‌هایی از آن احکام به بهداشت و تطهیر به شکلی همواره سودمند بازمی‌گردد، اما... حتی در دوران ساسانیان هم قوانین آیان در وندیداد را وقتی چندان نمی‌نهادند و برای اجرای آن احکام وندیدادی، زمینه اجتماعی و فرهنگی را چندان مساعد نمی‌دیدند (مزداپور، ۱۳۹۴، ص ۲۳۲).

همه آنچه را که وندیداد درباره زادن و مراقبت از کودک و مادرش به ما می‌آموزد، اینک به حق کهنه شده است و دور انداختنی. اینها همانند باورهای قدیمی درباره جغرافیا و طلوع و غروب خورشید، دیگر کاربردی جز زیبایی اساطیری و قدیمی ندارند و مطالبی شعرگونه‌اند. آداب دخمه گذاری را امروزه در ایران تغییر داده‌ایم و این امر، خلاف احکام وندیدادی، ما را از پیروی آموزه‌های زرتشت اشو دور نکرده است (همو، ۱۳۹۱، ص ۳۰).

پیران زرتشتی نظر می‌دادند که بهتر است از مفاد کتابی چون وندیداد بی‌خبر باشیم تا مبادا برخلاف راه و رسم کهن و پذیرفته آیینی آگاهانه گامی برداریم. حقیقت آن است که این گونه احکام و دستورهای سخت و خشک، اینک تحجر یافته‌اند و بی‌برو حاصل مانده‌اند؛ اما در روزگارهای خود، نظرهایی پیشرو و دقیق برای بهبود زندگانی و حفظ صحت و سلامت بوده‌اند (همان، ص ۱۳۰).

مزداپور مدعی است، تغییر و دگرگونی در احکام و قوانین زرتشتی، با پیام آسمانی زرتشت سازگار است:

در شرایط تازه، باورها و عقاید باستانی زرتشتیان در ایران تا حدی دستخوش دیگرسانی شد... برخی از آداب و رسوم قدیمی دیگرگونی یافت. از این قبیل تغییر و دیگرگونی، گرچه گاهی چشمگیر با سنت‌هایی که در کتاب اوستایی وندیداد و تفاسیر آن به زبان پهلوی و فارسی زرتشتی آمده است، مغایرت دارد، هماهنگ با پیام آسمانی زرتشت پیامبر، با شرایط زمانه همساز است (مزداپور، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱).

موبدان فعلی زرتشتی نیز با نظر مزداپور موافق‌اند. رئیس انجمن موبدان تهران، پس از بیان اینکه تنها گاهان کتاب آسمانی بوده و سایر کتبی که شریعت زرتشتی را دربردارد، گرچه مقدس و محترم بوده، اما توسط موبدان نوشته شده و آسمانی نیست، به تغییر در شریعت و احکام زرتشتی تصریح می‌کند و می‌گوید: «انجمن موبدان حق دارد که بسته به زمان و مکان، آن قوانین را تحت مطالعه قرار دهد و با توجه به اصول دین، فرسکرد کند؛ نه تنها مطالب آنها را

بپذیرد یا نپذیرد، بلکه آنها را تغییر دهند؛ که در طول تاریخ داده‌اند و خواهیم داد» (خورشیدیان، ۱۳۹۳، ص ۳۳۹). از وظایف انجمن موبدان تهران، دادن وچر (فتوا / دیدگاه کارشناسی دینی و مذهبی) به مردم و پرسشگران، اعم از زرتشتی و غیرزرتشتی است. رئیس انجمن موبدان تهران نیز همانند سایر موبدان و موبدیاران و موبدزادگان حق ندارد دیدگاه مذهبی یا حقوقی یا پیشنهاد اصلاحی خود را پیش از تصویب انجمن موبدان تهران به مردم اعلام کند (همان، ص ۴۲۵). موبد سروش‌پور نیز بر این نظر است که قوانین *وندیبداد*، گرچه در زمان خودش کاربردی و سودمند بوده است، در زمان حاضر کاربردی نیست (سروش‌پور، ۱۳۹۴).

۵. اسباب تغییر شریعت

اسباب و عواملی بوده و هست که زرتشتیان به احکام شرعی و قوانینی که در *وندیبداد* یا برخی دیگر از کتب پهلوی آمده‌اند، پایبند نبوده و آن را تغییر داده‌اند. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

۱. نبود قوانین و احکام دینی در *گاهان* زرتشت. گذشت که در *گاهان*، کتاب آسمانی زرتشتیان، فقه و قانون نیامده است. احکام و مناسک توسط موبدان و روحانیون زرتشتی در هر زمانی وضع شده است. این قوانین و احکام وضع شده جنبه مقدس و همیشگی نداشته است و ندارد. از این رو بنا بر شرایط زمانه، در هر عصر و زمانی دگرگون شده است (مزدایور، ۱۳۹۱، ص ۳۹۵).

۲. عامل دوم، کهنگی و کاربردی نبودن احکام و مناسک موجود در کتب سنت زرتشتی است که موبدان و محققان زرتشتی به آن تصریح کرده‌اند.

۳. از دیگر عوامل تغییر آداب و قوانین زرتشتیان، مواجهه با فرهنگ غربی و مقهور شدن در برابر آن است. «هنگامی که جامعه زرتشتی با زندگانی مدرن و فرهنگ غربی روبه‌رو شد، آداب و رسوم قدیمی که بسیاری از آنها ثابت مانده بودند، به‌سختی دستخوش دگرگونی و تغییر شدند. پس از گذشت نزدیک به هزار سال در شرایط تازه و مدرن، آداب دینی و سنت زنده زرتشتی تغییر یافته بود و مقهور فرهنگ و باورهای غربی شد. در سال ۱۹۵۰م سنت کهن در برابر هجوم عوامل تازه‌وارد از غرب درهم شکست و به‌سرعت تغییر یافت» (مزدایور، ۱۳۹۱، ص ۳۴-۳۷).

۴. سبب دیگر برای امر تغییر، مواجهه زرتشتیان با آیین اسلام و ترس از نابودی و اضمحلال آیین زرتشتی است. با ظهور اسلام و سهولت و جذابیت احکام و قوانین آن در برابر احکام سخت *وندیبداد*ی و سایر متون دینی زرتشتی، روحانیون زرتشتی در پی حذف و تغییر قوانین و آداب زرتشتی برآمدند. موبدان زرتشتی دریافتند که اگر وضع به همین نحوه باشد، آیین زرتشت نمی‌تواند در مقابل آیین جدید و نوظهور مقاومت کند؛ از این رو تلاش فراوانی کردند تا شریعت زرتشتی را از انحلال کامل بازدارند و از این تاریخ، نوسازی و نوآوری و حک و اصلاح در این آیین آغاز شد. خرافات و مطالب کهنه‌ای که طی سالیان دراز در آن راه یافته بود، به‌دور ریختند. کریستن سن

شریعت زردشتی که در زمان ساسانیان دین رسمی محسوب می‌شد، مبتنی بر اصولی بود که در پایان عهد ساسانی به کلی میان تهی و بی‌مغز شده، انحطاط قطعی و ناگزیر بود. هنگامی که غلبه اسلام، دولت ساسانی را که پشتیبان روحانیون بود واژگون کرد، روحانیون دریافتند که باید کوشش فوق‌العاده برای حفظ شریعت خود از انحلال تام بنمایند. این کوشش صورت گرفت... بسیاری از روایات دینی را به کلی حذف کردند و یا تغییر دادند... همه این تغییرات، در قرون تاریک بعد از انقراض ساسانیان واقع شده است. این شریعت اصلاح‌شده زردشتی را چنان وانمود کرده‌اند که همان شریعتی است که در همه ازمئه سابق برقرار بوده است (کریستن سن، ۱۳۷۲، ص ۵۷۱).

نکته قابل توجه آنکه از جمله عواملی که ایرانیان به سرعت اسلام را پذیرفتند، وجود همین احکام سخت و پیچیده در دین زرتشت و در مقابل سهولت و سادگی احکام اسلام بود (حاجی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۸۶).

۱-۵. نمونه‌های تغییر شریعت

تغییر و حذف مناسک و احکام زرتشتی، در طول تاریخ، از زمان ورود اسلام به ایران تا به امروز ادامه داشته و دارد. این دگرگونی و تغییرات، فراوان است؛ تا آنجا که ادعا شده است: «کل رسم‌های کهن زرتشتیان در ایران به شدت تغییر یافته است» (مزدایور، ۱۳۹۱، ص ۶۵). اینک نوبت آن فرا رسیده است به پاره‌ای از مناسک و احکام تغییر یافته در آیین زرتشت اشاره کنیم:

۱. مهم‌ترین تغییر در آداب و رسوم زرتشتیان ایران، برافتادن رسم نهادن جسد در دخمه و دخمه‌گذاری جسد مردگان است. نخست در تهران (سال ۱۹۳۷ م) و سپس در کرمان (۱۹۳۹ م) و سپس در شهر یزد (۱۹۵۷ م) برای مردگان آرامگاه ساخته شد.

۲. رسم سگ‌دید کردن، یعنی نشان دادن جسد مرده به سگ، به‌منظور راندن دیو نسوش از جسد بوده است (شایست‌نشایست، ص ۸ و ۴۳). این رسم در یزد تا ۱۹۵۰ م برگزار می‌شد؛ اما امروزه منسوخ شده است.

۳. احکام مرتبط با ایام عادت و زایمان زنان. فصل سوم کتاب فقهی *شایست‌نشایست* به ناپاکی زایمان و دشتان و شیوه‌های پرهیز و تطهیری آن اختصاص دارد که تغییرات بسیاری در آنها انجام شده است. همچنین تغییرات در سن و رسوم زرتشتی، همچون نیایش‌های روزانه، دادن تاوان و جبران کردن گناه، نذر کردن و... (مزدایور، ۱۳۹۱، ص ۳۷-۶۳). همچنین می‌توان از تغییر در مسئله ارث زرتشتیان نام برد که ارباب کیخسرو شاهرخ با موافقت و مصلحت موبدان، قوانین ارث زرتشتیان را در قالبی جدید و امروزی تنظیم کرد (همان، ص ۳۹۶).

۴. رسم اعتراف کردن به گناه در آیین زرتشتی در نزد موبدان و دستوران که در دوران ساسانیان و نیز پس از آن بوده و در روایات *دارب* هرمز به آن اشاره شده است (اون والا، ۱۹۲۲، ج ۱، ص ۳۴) و امروزه منسوخ شده است (شایست‌نشایست، ص ۱۰۵).

۵. رسم نأبر، یعنی حرمت خوردن گوشت در چهار روز از هر ماه است. از این حرمت، در نوشته‌های پیشین ذکری روشن و مشهور نیست؛ اما اینک بخشی از رسم‌های شناخته شده جامعه زرتشتی به‌شمار می‌رود (مزدآپور و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۹۶. نیز ر.ک: میستری، ۱۳۹۱، ص ۲۷۸-۲۸۴).

۶. تحلیل و بررسی

۱. اشکال بنیادین و مبنایی وارده بر آیین زرتشت، نبود شریعت یا قانون و فقه در **گاهان** تنها متن آسمانی نزد زرتشتیان است و این نقیصه بزرگی بر دینی است که پیروانش آن را آسمانی می‌خوانند. چگونه می‌توان فرض کرد متن آسمانی یک دین توحیدی که به‌ادعای پیروانش تحریف نشده است، صرفاً به بیان مسائل اخلاقی و تصحیح زندگی روزمره محدود شده و در آن سخنی از قانون و شریعت نیامده باشد؟ صرف تأکید دین بر قوانین اخلاقی را می‌توان انحراف از وظیفه مهم‌تر دین تلقی کرد؛ زیرا وجدان و فطرت الهی اصیل، بیشتر آموزه‌های اخلاقی را درک می‌کند؛ به تعبیر دقیق‌تر، بیشتر امور اخلاقی به‌جهت فطری بودن و عمومیت شایستگی‌ها و ارزش‌ها، برای همه مردم امضایی است، نه تأسیسی. از این رو وجود پندار، گفتار و کردار نیک در آموزه‌های اشو زرتشت، در واقع تأکید اموری است که انسان درک می‌کند. چه بسا کسانی بوده و هستند که ملحدند و به هیچ دینی پایبند نیستند؛ اما بسیاری از اصول اخلاقی را درک کرده، عمل هم می‌کنند؛ اما وجود دین و وحی، برای بیان چیزهایی است که از دسترس انسان خارج است. هدف مشترک تمام ادیان الهی، نیل بشر به‌سوی تکامل و سعادت ابدی است. اگر تکامل انسان را شکوفایی همه استعدادهای او بدانیم و متوجه باشیم که مهم‌ترین استعداد آدمی توانایی تقرب به خداست، ابزار وصول به این هدف، وجود برنامه حرکتی منظم است که شریعت یا احکام و قوانین الهی نامیده می‌شود. شریعت انسان را به حرکت در مسیر تکامل وادار می‌کند. احکام و قانون هماهنگ با فطرت و سرشت انسان، قانونی است که با گذشته و حال و آینده او سازگار باشد. آوردن قانون این‌چنینی، تنها از کسی ساخته است که با خصوصیت گوهر هستی انسان آشنا و از گذشته و حال و آینده انسان باخبر باشد و آن کس، تنها خدای متعال جهان‌آفرین است. پس دین حق، دینی است که عقاید، اخلاق، قوانین و تکالیف آن از طرف خداوند نازل شده باشد. با توجه به این مقدمات، اگر دین زرتشت را دین توحیدی بدانیم، درباره نقیصه نبود شریعت و قانون در **گاهان**، کتاب آسمانی نزد زرتشتیان، این احتمال معقول است که در **گاهان** زرتشت، شریعت و قوانین بوده است، اما بر اثر حوادث از بین رفته و تحریف به نقصان در آن صورت گرفته است.

۲. دومین اشکال اساسی بر آیین زرتشت، نبود منشأ آسمانی و الهی برای احکام و قوانین کیش زرتشت است. هیچ یک از احکام و قوانین زرتشتی - چه آنهایی که در زمان گذشته اجرا و عمل می‌شده و چه احکام و قوانینی که امروزه در آیین زرتشت موجود است یا آنچه در آینده وضع خواهند کرد - منشأ وحیانی و الهی نداشته و ندارد. تبیین مطلب اینکه هیچ محقق، اعم از زرتشتی یا غیرزرتشتی، ادعا نکرده است که احکام و قوانین که در **وندیداد** و سایر متون پهلوی بوده، آسمانی و وحیانی است؛ بلکه تصریح کرده‌اند که این قوانین نوشته موبدان و دانشمندان زرتشتی

بوده است. تنها متن آسمانی پذیرفته‌شده نزد زرتشتیان، **گاهان** است و سایر متون، اعم از اوستایی و پهلوی، گرچه بعضی از آنان نزد زرتشتیان مقدس باشند، آسمانی و الهی نیستند. از سوی دیگر، در هیچ یک از بندهای **گاهان** دستور یا توصیه‌ای مبنی بر اینکه زرتشتیان احکام و شریعت دینی خود را از موبدان و جانشینان بعدی زرتشت اخذ کنند، دیده نشد و محققان و موبدان نیز چنین ادعایی در گذشته و حال نداشته‌اند.

افزون بر اینکه محققان و موبدان زرتشتی اعتراف کرده‌اند که بسیاری از احکام و قوانین موجود، در **وندیداد** یا سایر کتب، مانند **تسایست‌نمایست** - مانند آنچه دربارهٔ زن دشتان آمده - کهنه شده‌اند و کاربردی ندارند. امروزه هم احکام و قوانینی که انجمن موبدان تصویب و تنظیم می‌کنند، ارزش دینی و حجیت ندارند؛ زیرا در **گاهان** به تصریح موبدان زرتشتی، خبری از فقه و شریعت نیست؛ و از سوی دیگر، بر اهل فن پوشیده نیست که **گاهان** فاقد اصول و قواعد کلی است که بتوان از آن، احکام و قوانین شرعی استنباط کرد. پس مستند شریعت نزد انجمن موبدان، نمی‌تواند **گاهان** زرتشت باشد؛ متون فقهی حقوقی پهلوی هم که نمی‌تواند مستند آنان باشد که بحثش گذشت. حال به بررسی این مطلب از موبد خورشیدیان می‌پردازیم که قائل بود وظیفهٔ انجمن موبدان، دادن فتوا و پاسخ به پرسش‌های مذهبی زرتشتیان و غیره است و انجمن موبدان این حق را دارد که هرچه را صلاح بداند، حذف یا تغییر دهد. سؤال این است که اینان بر اساس چه ملاک و اصلی، فتوا (وچر) می‌دهند؟ پشتوانه و اعتبار قوانین و فتاوی دینی موبدان چیست؟ آیا به‌صرف اینکه انجمنی از موبدان و موبدیاران تشکیل شود و قوانین و احکامی را وضع یا اصلاح کنند، دلیل بر حجیت و ارزش این قوانین و احکام است؟ و اساساً هرگونه حکم و قانونی که به دین زرتشت منتسب می‌کنند، سند دینی آن چیست؟ آیا می‌توان آنچه را که این انجمن‌ها تصویب می‌کنند، به پای دین زرتشتی گذاشت؟ به چه دلیل؟

در مصاحبه‌ای از مزدپور، محقق زرتشتی، دربارهٔ فقه آیین زرتشت، پرسیده می‌شود: «روش و منابع استنباط احکام فقهی در آیین زرتشت چگونه است؟ آیا در استنباط از متون زرتشتی، بر عقل و خرد تکیه می‌گردد؟ به عنوان مثال، در احکام مستحدثه و جدید، از چه روش و شیوه‌ای استفاده می‌نمایند؟»

ایشان در پاسخ می‌گوید:

نکتهٔ دقیق و روشن آن است که فقه زرتشتی اصلاً و اصولاً به خود پیامبر مربوط نیست و گرچه کوشش شده است تا فقهی مبتنی بر اصول گاهانی فراهم آید، بی‌گفت‌وگو، در موارد بسیاری با آن هماهنگی ندارد. بحث و جستار در اصول و مبانی فقهی دوران ساسانی، بسیار دامنه‌دار و جدی بوده است. گفت‌وگو و بحث و جدل و به اصطلاح پهلوی «پیکار»، در فقه آن روزگار جایگاه مهم داشته است. آثار این جست و جو و بحث، در کتاب‌های پهلوی به‌جای مانده است» (مزدپور، ۱۳۸۴).

گرچه محقق یادشده به سؤالات مطرح‌شده پاسخ نداده، اما این نکته را گوشزد کرده است که فقه زرتشتیان هیچ ارتباطی با زرتشت پیامبر ندارد و مبتنی بر **گاهان** زرتشت نیست.

۳. گذشت که برخی قائل بودند که احکام و قوانین *وندیداد* در زمان خود کاربردی و مفید بوده، اما در عصر حاضر کاربردی و مفید نیست. این سخن خالی از اشکال نیست؛ توضیح آنکه: آیا هویت و حقیقت انسان آن زمان با انسان امروزی متفاوت است که اگر شخص زرتشتی در دوران گذشته مجازات و احکام سختی را تحمل کند، بگوییم برای او سودمند و مفید بوده، اما امروزه کهنه شده و دورریختنی است؟ برای نمونه، چگونه می‌توان پذیرفت که احکام بسیار دشوار و طاقت‌فرسای مربوط به ایام عادت و زایمان، به نفع زنان زرتشتی درایام گذشته بوده است، اما برای زنان امروزی کارایی ندارد، با اینکه هویت و حقیقت یک زن در گذشته و آینده فرقی نکرده است؟ یا مجازات و جرایم وحشتناک و شگفت‌انگیزی که حتی برخی از آنها قابلیت به اجرا درآمدن نیز ندارد، چگونه برای انسان‌های گذشته مفید بوده است؟ اگر نتوان تفاوتی در هویت و حقیقت انسان گذشته و حال یافت، پس یا احکام و مجازات گذشته بی‌پایه و اساساً غلط بوده یا اینکه امروزه زرتشتیان به نوعی از شریعت گریزان‌اند.

۴. اشکال دیگر، مربوط به تغییر و حذف برخی احکام، قوانین و رسوم زرتشتی توسط زرتشتیان، به‌ویژه انجمن موبدان است. حذف یا تغییر برخی رسوم و احکام از سوی انجمن موبدان، زمانی مجوز دینی دارد و معتبر است که خود دین اجازه چنین کاری را داده باشد. آیا دین زرتشت و به تعبیر دقیق‌تر، *گاهان* زرتشت که تنها متن آسمانی نزد زرتشتیان است، به اینان اجازه چنین کاری داده است؟ اساساً در آیین زرتشت چه کسی حق دارد برخی احکام را تغییر دهد و چه شرایطی باید داشته باشد و این شرایط را چه کسی معین کرده است؟ تا آنجا که تفحص و جست‌وجو شد، پاسخی از *گاهان* زرتشت به سؤالات یاد شده یافت نشد. شاید بتوان با قطعیت گفت که *گاهان* اصلاً به این مسئله ورود پیدا نکرده است.

اگر گفته شود: احتمالاً در برخی متون اوستایی یا پهلوی اجازه چنین کاری به موبدان هر زمان داده شده است، خواهیم گفت: اولاً این ادعا صرف احتمال است که نیاز به اثبات دارد؛ ثانیاً بر فرض اثبات، متون به‌جز *گاهان*، متن الهی و آسمانی نیست؛ بلکه نوشته موبدان و بزرگان زرتشتی بوده است؛ از این رو نوشته‌های آنان مجوز دینی و شرعی شمرده نمی‌شود؛ ثالثاً از آنجا که به تصریح محققان زرتشتی، در *گاهان* هیچ حکم فقهی و قانونی نیامده است، پس منابع استنباط احکام را یا باید سایر متون نظیر *وندیداد* و *تسایست نشایست* دانست یا به تعبیر برخی زرتشتیان، عقل جمعی. هر دو منبع احتمالی استنباط احکام را جداگانه بررسی می‌کنیم.

درباره متونی که سخن از شریعت زرتشتی در آن به میان آمده است - اعم از متون اوستایی و پهلوی - سه حالت می‌توان فرض کرد:

حالت اول: همه احکام و قوانین در متون دینی و سنتی زرتشتیان، ارزش و اعتبار دارد.

بررسی: این فرض صحیح نیست؛ چراکه موبدان و محققان زرتشتی تصریح دارند که برخی احکام شرعی یا مجازات‌ها، مخصوص همان دوران بوده و امروزه کاربردی ندارد.

حالت دوم: همه آداب و احکام و مجازات موجود در کتب اوستایی و پهلوی، ویژه همان دوران است و آن متون، گرچه مقدس و قابل احترام‌اند، اما امروزه به آنها عمل نمی‌شود.

بررسی: این فرض، ملزومات و تالی‌فاسدهایی به‌دنبال دارد که بعید به‌نظر می‌رسد جامعهٔ محقق زرتشتی به آن ملتزم باشند. نخستین لازمهٔ آن این است که آیین زرتشت را نه شریعت‌محور، بلکه شریعت‌گریز بنامیم. به عبارتی، لازمهٔ آن معطل ماندن تمام احکام، آداب و رسوم و قوانین زرتشتی است؛ چراکه در **گاهان** چیزی دربارهٔ شریعت نیامده و سایر متون نیز که پذیرفته نشده و مختص به همان زمان‌های گذشته است؛ از این رو هیچ تکلیف و قانونی برای زرتشتیان وجود ندارد. بر اساس پذیرش این فرض، پرسش اساسی این است که آداب، رسوم و احکام امروزی در میان زرتشتیان از کجا نشئت گرفته است؟ پس انکار و رد همهٔ آنچه که در متون سنتی زرتشتی آمده، به‌معنای خالی بودن آیین زرتشت از هرگونه عمل یا قانون است.

برخی مدعی‌اند بر اساس دانش و خرد جمعی، دربارهٔ شریعت زرتشتی حکم می‌شود. موبد سروش پور می‌گوید: از آنجایی که در کتاب مقدس زرتشتیان یا همان **گات‌ها** نیز هیچ فقه دینی وجود ندارد، لذا تقدس قانون در سایهٔ دین در آموزه‌های زرتشتی جایگاهی ندارد و زرتشتیان بر اساس پویایی جوامع و خرد جمعی با قوانین روز و مورد پذیرش جامعه رفتار می‌نمایند (سروش پور، ۱۳۹۴).

نیکنام، دیگر موبد زرتشتی، می‌گوید: آموزه‌هایی که اشو زرتشت در **گاهان** مطرح کردند، مجموعه‌ای از دستورات کلی برای انسان هاست؛ ولی مسائلی را که ممکن است در زندگی روزمرهٔ انسان پیش آید، به دانش زمان و خرد انسان واگذار می‌کنند (نیکنام، ۱۳۸۱).

پاسخ کامل به این ادعا مجال دیگری می‌طلبد. آنچه به‌اختصار می‌توان گفت، این است که قلمرو عقل آدمی در عرصهٔ معارف دینی تا کجاست؟ آیا عقل انسانی توان دستیابی و کشف تمام گزاره‌های شریعت را دارد؟ آیا احکام رایج میان زرتشتیان کنونی، مانند نمازهای پنج‌گانه، مراسم مفصل دربارهٔ آتش و آتشکده، احکام طهارت و نجاست، مسائل مرتبط با مردگان و سایر احکام جزئی و مجازات موجود در آیین زرتشت، مستند به عقل انسانی بوده یا منبع آن متون دینی و سنتی زرتشتی است؟ بدیهی است عقل بشری نمی‌تواند سرچشمهٔ این همه احکام و جزئیات دینی باشد.

حقیقت آن است که عقل انسان به‌تنهایی برای فهمیدن همهٔ احکام و حکم الهی کافی نیست و در بسیاری از آموزه‌ها راه به جایی نمی‌برد. هدف از بعثت انبیا تکمیل عقول بشر است. جامعهٔ بشری در بخش اندیشه و نظر، نیازمند به وحی الهی است؛ زیرا آنچه را باید بداند، ولی نمی‌فهمد، به کمک وحی می‌فهمد یا آنچه را باید به‌صورت کامل فراگیرد، ولی توان آن را ندارد، وحی در تکمیل آن به او کمک می‌کند. اگر عقل بشر و خرد انسانی برای هدایت انسان و احکام الهی کافی بود، نیازی به وحی و رسالت نبود.

حالت سوم: میان احکام و رسوم شریعت زرتشتی قائل به تفکیک شوند؛ بدین معنا که برخی از آنها را که در زمان‌های گذشته و در متون آمده است، امروزه نیز می‌پذیریم و بدان عمل می‌کنیم؛ اما برخی از آنها را مناسب شرایط امروزی نمی‌دانیم و در آنها دگرگونی صورت گرفته است؛ مانند تغییراتی که در احکام زنان در ایام عادت شده یا تغییراتی که در قوانین ارث میان زرتشتیان امروزی ایجاد شده است.

بررسی: سند و حجت شرعی و دینی بر این تفکیک چیست؟ تفکیک میان احکام و قوانین در عمل کردن یا رها کردن آن، نیاز به مجوز دینی دارد؛ وگرنه این تفکیک ارزش و اعتباری ندارد و ظاهر امر حکایت از این دارد که سندی بر این تفکیک نمی‌توان در *گاهان*، متن دینی زرتشتیان، یافت.

نکته دیگر اینکه بر فرض پذیرش تفکیک، باید توجه داشت متون فقهی - حقوقی زرتشتی از دو حال خارج نیست:

یا جامعه زرتشتی متون فقهی - حقوقی را به‌عنوان متن دینی می‌پذیرند و احکام آن را منتسب به دین زرتشت می‌دانند که در این صورت پذیرش بخشی از یک متن و عدم پذیرش بخش دیگر همان متن، تحریف و بدعت در دین است؛ مثلاً اگر *وندیداد* به‌عنوان متن دینی آیین زرتشت پذیرفته شده باشد، دیگر جا برای تقطیع احکام و قوانین آن نیست؛ مگر اینکه گفته شود تحریف در آن متن رخ داده است؛ از این رو بخش‌های تحریف‌شده را نمی‌پذیریم. البته به‌ادعای زرتشتیان، *وندیداد* تنها نسک اوستای عصر ساسانی است که به‌صورت کامل بدون هیچ‌گونه تحریفی به دست ما رسیده است.

احتمال دوم اینکه جامعه زرتشتی این متون را متن دینی نمی‌دانند. بر اساس این احتمال، نمی‌توان به هیچ یک از احکام و قوانین آنها استناد کرد و به دین زرتشت منتسب کرد و لازمه آن نقیصه، تهی بودن آیین زرتشت از فرمان‌ها و احکام و قوانین است.

نتیجه‌گیری

آنچه در پایان بحث باید گفت این است که جعل احکام و قوانین در ادیان، مقدمه رسیدن به تکامل و سعادت ابدی است؛ چنان که موبد خورشیدیان می‌گوید: «آنچه مسلم است، جوهره همه ادیان باید یکی باشد؛ چراکه همه از یک مبدأ آمده‌اند و مقصدشان هم رسیدن به خدا می‌باشد» (خورشیدیان، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶). لازمه وصول به این مقصد این است که خدای جهان‌آفرین و آگاه به مصالح انسانی، احکام الهی را از طریق پیامبران به بشر رسانده باشد؛ اما شریعت بدون اتصال به وحی و الهام الهی، انسان را به مقصد نمی‌رساند.

شریعت در آیین زرتشت، اعم از زمان گذشته، حال و آینده، فاقد سند محکم و متقن دینی، و خالی از هرگونه اتصال به منبع وحی الهی و آسمانی است. شریعت، زمانی ابزار تکامل انسانی و تقرب او به سوی خدا می‌شود که برگرفته از وحی الهی و مصون از هرگونه خطا و اشتباه باشد. منشأ این همه دگرگونی در احکام، قوانین، آداب و رسوم دین زرتشتی تا به امروز، این بوده است که این امور ساخته و پرداخته بشر بوده‌اند، نه وحی و کلام الهی. برخی قوانین و احکام، در معرض تحریف گذشتگان قرار داشته و آمیزه‌ای از پندارها و خرافات رایج در زمان‌های گذشته‌اند و امروزه دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند؛ و به گفته موبدان زرتشتی، هنوز تغییر و اصلاح احکام و قوانین جریان دارد. در متن مقاله هم نشان داده شد که پیروان آیین زرتشت، ملتزم به پاره‌ای از شرایع موجود در متون مقدس و دینی خود نیستند؛ بلکه از آن گریزان‌اند؛ از این رو امروزه آیین زرتشت به شریعت‌گریزی بیشتر شباهت دارد تا شریعت‌محوری.

منابع

- اوستا، با ترجمه جلیل دوستخواه.
 اون والا، مانک رستم، ۱۹۲۲م، *روایات داراب هرمزد*، بمبئی، بی‌نا.
 بهار، مهرداد، ۱۳۷۶، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران، آگاه.
 بویس، مری، ۱۳۷۶، *تاریخ کیش زرتشت، جاول*، ترجمه: همایون صنعتی‌زاده، چ دوم، تهران، توس.
 پاکتچی، احمد، ۱۳۸۶، *ماه‌های فلسفی در میراث ایران باستان*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
 تقضلی، احمد، ۱۳۷۶، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش: ژاله آموزگار، تهران، سخن.
 جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۵، *فلسفه دین*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 جوادى املی، عبدالله، ۱۳۷۲، *شریعت در آینه معرفت*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
 چوکسی، جمشید کرشاسپ، ۱۳۸۱، *ستیز و سازش: زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی*، ترجمه: نادر میرسعیدی، تهران، ققنوس.
 حاجی‌زاده، یدالله، ۱۳۹۲، *تعامل اعراب مسلمان و ایرانیان در فتوحات اسلامی*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
 حسینی (أصف)، سیدحسین، ۱۳۸۴، «درجات گناه، تاوان و پتت در دین زرتشتی»، *هفت آسمان*، ش ۲۸، ص ۱۸۷-۲۲۴.
 خورشیدیان، اردشیر، ۱۳۸۶، *پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان*، چ دوم، تهران، فروهر.
 _____، ۱۳۹۳، *دهش فرهنگی یا لرک مینوی*، تهران، فروهر،
 دارمستر، جیمس، ۱۳۸۲، *تفسیر اوستا*، ترجمه: موسی جوان، تهران، دنیای کتاب.
 _____، ۱۳۸۲، *مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد اوستا*، ترجمه: موسی جوان، تهران، دنیای کتاب.
 رضائی باغ‌بیدی، حسن (مترجم)، ۱۳۸۴، *روایت آذر فوننغ فرخزادان*، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
 رضی، هاشم، ۱۳۸۱، *دانشنامه ایران باستان*، تهران، سخن.
 _____، ۱۳۸۵، *وندیداد: ترجمه، پژوهش، شروع و واژه‌نامه‌ها*، تهران، بهجت.
 سروش پور، پدram، *پاسخ به اتهامات*، <http://pedramSORUSHPOOR.blogfa.com>، ۱۳۹۴/۷/۲۹.
 _____، پدram، *کات‌ها کتاب آسمانی زرتشتیان*، <http://pedramSORUSHPOOR.blogfa.com>، ۱۳۹۰/۷/۱۹.
 صفای اصفهانی، نزهت (مترجم)، ۱۳۷۶، *روایت امید آئشوهیستان*، تهران، مرکز.
 فضیلت، فریدون (مترجم)، ۱۳۸۴، *دینکرد سوم*، دفتر دوم، تهران، مهرآیین.
 کریستن سن، آرتور، ۱۳۷۲، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه: رشید یاسمی، چ هشتم، تهران، دنیای کتاب.
 _____، ۱۳۷۴، *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان*، ترجمه مجتبی مینوی، چ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 مزدپور، کتابون و همکاران، ۱۳۹۴، *ادیان و مذاهب در ایران باستان*، تهران، سمت.
 مزدپور، کتابون، ۱۳۶۹، *ترجمه شایست نائشایست*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 _____، ۱۳۸۴، «میراث زرتشت، پیام آور راستی»، *هفت آسمان*، ش ۲۹، ص ۹-۲۴.
 _____، ۱۳۹۱، *چند سخن*، تهران، فروهر.
 _____، ۱۳۸۲، *زرتشتیان (از ایران چه می‌دانم)*، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
 معین، محمد، ۱۳۶۰، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
 مهر، فرهنگ، ۱۳۷۴، *دیدنی نواز دینی کهن*، چ سوم، تهران، جامی.
 موله، ماریان، ۱۳۷۲، *ایران باستان*، ترجمه: ژاله آموزگار، تهران، توس.
 میرفخرایی، مهشید (مترجم)، ۱۳۶۷، *روایت پهلوی*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 میسنری، خجسته، ۱۳۹۱، «دین زردشت در جهان امروز»، *در: سیری در ادیان جهان*، ترجمه: عبدالعلی براتی، تهران، ققنوس.
 نیکام، کوروش، ۱۳۸۱، «زرتشتیان ایران»، *مطالعات ملی*، ش ۱۳، ص ۱۴۷-۱۸۵.

Zoroastrianism, a Law-Based or a Law-Crossed

✉ Syyed Mohammad Hajati Shuraki / Ph.D. student in Religions and Mysticism, IKI Hajati65@chmail.ir
Husain Naghavi / Assistant Professor, the Department of Religions, IKI

Received: 2018/04/10 - Accepted: 2018/09/10

Abstract

Making rules and regulations in religions is the introduction to eternal perfection and prosperity. Achieving this destination, the All-Creator and All-knowing God should send His rules to the human being through the prophets. *Gathas*, an attributed Book to Zoroaster and the only heavenly Book of Zoroastrians, does not speak about law "*Sharia*"; But most of the juridical and legal issues are mentioned in the Avesta *Vindhid* and other Zoroastrian scriptures. Zoroastrian *Sharia* has changed in different periods, and as the Zoroastrian priests have said, this issue - changing and removing of some legal rules - is still ongoing. The reason of these ongoing changes is that, these rules and laws are man-made, not the revelation or the divine word. Explaining the *Sharia* and its relevant issues in Zoroastrianism, this paper analyzes the topic in details.

Keywords: Zoroastrianism, law, law-crossing, divine revelation, *Vindhid*.

An Internal Critique of the Herzl Foundations With Respect to the Views of Ahad Ha'am

✉ **Nouri Sadat Shahangian** / Assistant Professor, Religions and Mysticism Department, al-Zahra Uni
n.s.shahangian@alzahra.ac.ir

Bahare Zamiri Jirsarai / M.A. in Religions and Mysticism, al-Zahra Uni

Received: 2017/10/23 - **Accepted:** 2018/03/08

Abstract

Political Zionism, which was built on Theodor Herzl ideas, was followed by many internal and external criticisms from the beginning. Asher Ginsberg (Ahad Ha'am), the founder of the cultural Zionist, was among the critics among the Zionist movement. This paper studies the viewpoints and critics of Ahad Ha'am about the Political Zionism and the Herzl ideas. Concentrating on the Ahad Ha'am and Herzl works and using the immediate and intermediate sayings this paper has been written. Ahad Ha'am challenged Herzl's views about salvation of Jews through immigration to Palestine, creating an independent Jewish state, and gaining international support for the establishing a Jewish state to realize other goals of political Zionism, and emphasized on the cultural and spiritual revival of the nation and the preservation of their Jewish identity by considering the national values, which were completely ignored by Herzl.

Keywords: Zionism, Herzl, Ahad Ha'am, Jew, cultural, political.